

# درآمدی بر خانواده

بخش اول

نگرش نفر

▲ اشاره

**کلیدواژه‌ها:** نگرش سیستمی به خانواده، خانواده، گروه همسالان، مشاوره خانواده، آموزش خانواده، گروه‌درمانی خانواده

مشورته‌دهی به خانواده‌های دانش‌آموزان و مشورتگری، از نقش‌گذاری‌های عمده مشاوران در سیستم پیچیده مدارس امروزی است.

آگاهی مشاوران از کارکرد (عملکرد مورد انتظار) انواع خانواده، آشنایی با ماهیت و ساختار خانواده و به تبع آن، آگاهی از نوع پیوند اعضا و نحوه تعامل آن‌ها با هم و... از نیازهای ایشان (مشاوران) است. مشاوران مدارس به‌طور طبیعی و به اقتضای نقش‌گذاری بی‌جایگزین‌شان در آموزش خانواده‌ها و مشورتگری، با ایشان ارتباط تنگاتنگی دارند.

در این میان در شرایط حاد و التهابی و بحرانی از قبیل مواجهه با مورد (Case)‌های اقدامی یا دانش‌آموزان در آستانه اعتیاد و در دام باندهای تبهکار گرفتار شده و...، این تنها مشاور مدرسه است که به‌عنوان کارشناس، متخصص و صاحب صلاحیت، قانوناً اجازه و وظیفه اقدامات اولیه فوری را دارد.

در چنین مواردی، بررسی شرایط خانواده، تماس گرفتن با افراد مسئول خانواده و دادن اطلاعات اولیه از آنچه در بالا گفته شد در جهت اعزام مراجع، خانواده فرد گرفتار، به مشاور در موفقیت او در ایفای نقش بی‌بدیلش یاری‌رسان است.

از طرفی، مشاور مدرسه اگرچه اختیار درمان و اقدامات درمانی ندارد، جمع‌آوری اطلاعات اولیه از آنچه در بالا گفته شد در جهت اعزام مراجع، درمان‌جو و آسیب‌دیده به مراکز ذی‌صلاح، این مراکز را در انجام وظایف قانونی و انسانی‌شان یاری می‌دهد. سلسله مقالات تخصصی خانواده از این شماره به یاری خداوند جهت رفع بخشی از نیازهای تخصصی و حرفه‌ای همکاران مشاوران در مدارس تقدیم می‌شود.

## مقدمه

تحقیقات نشان داده‌اند که هر اندازه روابط والدین با فرزندانشان از نظر محتوا غنی‌تر، از حیث پیوند محکم‌تر و به لحاظ کیفیت کنش‌مندتر باشد، ارتباطات فرزندان با گروه همسالانشان منطقی‌تر و معقول‌تر (مطلوب‌تر) و تأثیرپذیری آنها متعادل‌تر خواهد بود.

محیط خانوادگی نابسامان و آشفته در خلق‌وخو و رفتار نوجوان در خانواده و مدرسه و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد و محیط سالم خانوادگی، با رابطه مطلوب او با همسالان و خانواده و پیشرفت تحصیلی‌اش در مدرسه ارتباط دارد.

همه ما می‌دانیم که دانش‌آموزان در انزوا زندگی نمی‌کنند. نیز می‌دانیم که اطرافیان مهم زندگی‌مان بر رفتار و احساسات ما تأثیر می‌گذارند و تقریباً همه نظریه‌های روان‌درمانی به این نکته توجه دارند که روابط با اطرافیان مهم زندگی، نقشی اساسی در زندگی فرد بازی می‌کند. اصولاً همه ما در شبکه‌ای از روابط انسانی، تعریف شده‌ایم و مشکلات روان‌شناختی‌مان حاصل تعاملات ناسالم ما با دیگران است.

از نگاه سیستمی، رفتار یک فرد به تنهایی قابل درک نیست بلکه باید بافت و سیستمی که او در آن زندگی می‌کند و حتی زمینه‌های قومی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آن در نظر گرفته شود.

مشاور برای درک یک واحد از این سیستم (دانش‌آموز) باید کل سیستم را درک کند. در این میان، خانواده براساس نظریه کلی سیستم‌ها به مثابه یک کل عمل می‌کند.

مشاوره دادن به والدین و مشورت با آنها در زمینه‌های مختلف می‌تواند بر انگیزش، پیشرفت تحصیلی، خودباوری و رفتار دانش‌آموز در کلاس مؤثر باشد. سیستم‌های مختلفی بر دانش‌آموز تأثیر می‌گذارند؛ از جمله خانواده،

## مشاوره دادن به والدین و مشورت با آنها در زمینه‌های مختلف می‌تواند بر انگیزش، پیشرفت تحصیلی، خودباوری و رفتار دانش‌آموز در کلاس مؤثر باشد

## از نگاه سیستمی، رفتار یک فرد به تنهایی قابل درک نیست بلکه باید بافت و سیستمی که او در آن زندگی می‌کند و حتی زمینه‌های قومی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آن در نظر گرفته شود

هم‌کلاسی‌ها و همسالان، مدرسه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه. اغلب این انتقاد وجود دارد که مشاوران در مدرسه درک درستی از مسائل دانش‌آموزان ندارند، به عبارتی، چنانچه آسیب‌شناسی کنیم، سیستم‌های مختلف در نظر گرفته نمی‌شوند یا در کل نادیده انگاشته می‌شوند. براساس نظریه سیستم‌ها، خانواده و روابط درونی آن بر رفتار کودک یا نوجوان در مدرسه مؤثر است. تلاش برای تغییر رفتار دانش‌آموز بدون در نظر گرفتن سیستم خانواده‌ای بی‌نتیجه است یا حداقل تغییرات را به همراه دارد؛ تغییراتی که بسیار کند و بطیء و ناپایدارند. به جای مشاوره فردی بهتر است شبکه روابط درون خانواده و الگوهای رفتاری متداول و قواعد و ارزش‌ها و وظایف فرد در آن محیط در نظر گرفته شود.

ما اغلب همه موارد فوق را می‌دانیم ولی در عمل براساس آنها عمل نمی‌کنیم. از طرفی، اگر بخواهیم نگاهی جامع و همه‌جانبه و عمیق داشته باشیم، لازم است هم سیستم خانواده و هم سایر سیستم‌ها را در نظر بگیریم. اصولاً وارد کردن خانواده‌ها در مسائل مربوط به دانش‌آموز و نقش دادن به آنها، کار مشاور را تسهیل می‌کند و به روند بهبود وضعیت دانش‌آموز سرعت می‌بخشد. وقتی بین والدین و مدرسه هماهنگی ایجاد شود، دانش‌آموزان بهتر جهت‌دهی و برنامه‌ریزی می‌شوند؛ تا اینکه والدین راه خود را بروند و مدرسه هم برنامه خود را داشته باشد. در واقع، مشاور مدرسه به جهت شناخت کلی که از موقعیت دانش‌آموز دارد، می‌تواند خانواده را برنامه‌ریزی و جهت‌دهی کند؛ یعنی، همان چیزی که خانواده‌ها خواهان آن هستند و رسماً نیازشان را اعلام می‌کنند و می‌پرسند که در ارتباط با فرزندشان چه باید کنند. در این روند، هم به نیازهای بچه‌ها پاسخ داده می‌شود و هم فرایند کار مشاور به‌نحو صحیحی شکل می‌گیرد.

اما اینکه چگونه این هماهنگی صورت گیرد، جای بحث و اندیشیدن دارد که به آن خواهیم پرداخت. برای اینکه مشاوران مدرسه در این زمینه‌ها دقیق عمل کنند، لازم است موارد خاصی را در نظر بگیرند؛ از جمله اینکه نگرش سیستمی داشته باشند؛ نظریه‌ها و رویکردهای مرتبط با خانواده را بدانند و از مدل‌های خانواده آگاه باشند؛ مشکلات رایج خانواده‌ها و نوجوانان را بشناسند و در این موارد؛ برنامه مشخص داشته باشند.

### مفاهیم و اصول مربوط به خانواده

مشاور مدرسه باید خانواده و مفاهیم مربوط به آن را بشناسد، با انواع مدل‌های خانواده آشنا باشد، رویکردهای مطرح در خانواده‌درمانی را بداند، درباره چرخه حیات خانواده و فرد، ژنوگرام، منظومه خانوادگی و زیرمنظومه‌ها، مرزها و در مجموع، ساختار و سازمان خانواده آگاهی داشته باشد و از ترتیب تولد و چگونگی تأثیر آن در شخصیت و موقعیت دانش‌آموز در خانواده مطلع باشد.

زمینه‌هایی که از طریق آنها می‌توان نقش خانواده را در مشاوره مدرسه‌ای (آموزشگاهی) در نظر گرفت از این قرارند:

### مشورت‌دهی به خانواده‌ها

معمولاً در مشورت‌گری با خانواده‌ها، خانواده (پدر یا مادر) به مشاور مراجعه کرده و مسائل و مشکلاتی را که با فرزندشان دارند، بیان می‌کنند یا مشکل خاص فرزندشان را مطرح می‌کنند؛ یعنی، یا مشکل فرزند فردی است یا بین فردی. در واقع مشاور از طریق فرد سوم- یعنی والد- به مسائل و مشکلات دانش‌آموز می‌پردازد که از این طریق هم به والدین کمک می‌شود

و هم به دانش‌آموز.

مشاور برای مشورت‌دهی به والدین، بایستی از مهارت‌های ارتباطی و مشاوره‌ای برای مشاوره با والدین برخوردار باشد. او باید مهارت‌های بین فردی از جمله گوش دادن فعال، پذیرش مثبت غیرمشروط، همدلی، بازخورد دادن، انعکاس دادن و سؤال کردن را به نحو مؤثری بداند و به کار گیرد. در عین حال، به والدین کمک کند تا ویژگی‌های رشدی، اعم از رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی را بشناسند. به والدین کمک کند تا شیوه‌های مقابله مؤثر را دریابند و به کار گیرند و با افزایش هشیاری و خودآگاهی‌شان نسبت به خود، هم تنش‌های خودشان را مدیریت کنند و هم از شیوه‌های فرزندپروری مؤثر بهره ببرند. مشاور می‌تواند والدین را راهنمایی کند تا در زمینه‌های تحصیلی از جمله برنامه‌ریزی، شیوه‌های مطالعه و انتخاب رشته و زمینه‌سازی برای انتخاب شغل و استعدادیابی به فرزندانشان کمک کنند. او همچنین در جلساتی که با اولیا دارد، می‌تواند فضایی ایجاد کند که هر گاه آنها نیاز به مشورت داشتند، به وی مراجعه کنند. در واقع، مشاور باید زمینه‌ساز یک برنامه فعال مشورت‌گری با والدین باشد و حتی محورهای این برنامه را از قبل تعیین و تدوین کند.

### آموزش خانواده

شناخت و آگاهی دادن به والدین درباره ویژگی‌های سنی و رشدی دانش‌آموزان در هر دوره تحصیلی که هستند، ریسک‌ها و مسائل مربوط به این دوره و نقش خانواده‌ها در این مورد، پرداختن به انواع سبک‌های فرزندپروری و مهارت‌های مورد نیاز در این زمینه از جمله مسائل اساسی است. آنچه در آموزش خانواده بیش از همه قابل طرح است، پیشگیری و به‌ویژه پیشگیری نوع اول است؛ اینکه اصولاً چه کنیم که دچار مشکل نشویم. در مواردی که افراد با مشکل مواجه‌اند، پیشگیری نوع دوم و سوم مطرح می‌شود و اینکه چنانچه با مشکل مواجهیم، چه کنیم تا شرایط از آنچه هست، فراتر نرود و بدتر نشود.

### راهنمایی و مشاوره گروهی با والدین

در این سبک از ارتباط با والدین، معمولاً مشاور با تعدادی از والدین (اگر راهنمایی گروهی باشد ۲۰ تا ۲۵ نفر و اگر مشاوره گروهی باشد ۱۰ تا ۱۵ نفر) به تعامل و تبادل نظر می‌پردازد. به این ترتیب که والدین مشکلات والد-فرزندی خود را مطرح می‌کنند و در این تعاملات، به خودآگاهی و بینش می‌رسند. آنها در این ارتباط‌ها پی خواهند برد که مشکلاتشان منحصر به فرد نیست و به راهکارهای جمعی نیز خواهند رسید. در واقع، در این جلسات نوعی بارش ذهنی و حل مسئله خواهیم داشت. درگیر کردن خانواده‌ها و به مشارکت طلبیدن آنها از این طریق، احساس مسئولیت بیشتری را در آنان ایجاد خواهد کرد و از طرفی باعث می‌شود که احساس تعلق بهتری نسبت به مدرسه پیدا کنند.

### مشاوره خانواده

در موارد خاصی، در بعضی دانش‌آموزان به مشکلات ویژه‌ای برمی‌خوریم. در این گونه موارد، پس از مشاوره با خانواده یا ارجاع خانواده‌ها به مراکز مشاوره و روان‌شناسی- که لزوماً خانواده‌درمانی هم دارند- مسائل آنها پیگیری می‌شود. بسیاری از مشکلات رفتاری در مدرسه می‌تواند معلول سایر محیط‌ها و از جمله خانواده باشد. مشاور بایستی خلأهای موجود در رابطه والد-فرزندی را بشناسد و در این زمینه کار کند.